

اهمیت منابع تاریخی بعد از مغول در شناخت تکاملات اداری دورانهای قبلی

(۱)

یکی از پدیده‌های غیر قابل انکار تاریخ ایران بعد از اسلام، که بکرات هم عنوان شده، عبارت از اینست که طی تصرفات مکرر این کشور بوسیله اقوام خارجی، ساکنین ایرانی نژاد آن توانسته‌اند

1— Hans Robert Roemer .

۲- دانشمند آلمانی زبان، مقاله حاضر را بفرانسه نوشته‌اند. چون بهنگام استناد باین مقاله ذکر عنوان اصلیش لازمست در اینجا عیناً نقل میگردد:

L'importance des sources tardives pour l'histoire pré-mongole de l'administration iranienne.

برای آنکه علمای فارسی‌زبانی که نظریات و منابع مندرج در این مقاله را در تحقیقات و تألیفات خود بکار خواهند برد اطمینان کامل بصداقت ترجمه داشته باشند، مطالب آن نکته بنکته بفراسی برگردانده شده. از این رو، بسیاری از جملات، مانند جملات پرهایه خود مؤلف، طولانی گردیده است. عنوان منابع آلمانی، فرانسه، انگلیسی و ترکی که در حاشیه ذکر شده بفراسی ترجمه و در بین دو هلال جای داده‌شد. عنوان کامل موسسات علمی، که نویسنده بعلائم اختصاریشان اکتفا کرده بودند، بهمین نحو یاد گردید (مترجم).

خود را جزء لاینفک دستگاه اداری مملکت سازند یا از آن جهت که استعداد جبلی شان در این زمینه بالطبع مایه تمایز و ترقی آنها میشده و یا اینکه خدمت دولت را چاره‌ای برای تغییر سرنوشت خود شناخته و بدان روی می‌آوردند. باری در زمان غلبه اعراب و سپس در دوران سلطنت سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان و صفویه که بذکر همین دسته قناعت شد - وضع بدین منوال بوده است.^۳ این موضوع از چشم تاریخ نویسان همان دوره‌ها پوشیده نمانده چنانکه تقسیم بندی مامورین دولت بدو طبقه عمده «اریاب تیغ و اریاب قلم» گواهد است بر ادراک وضع مورد بحث.^۴ بدون شك این پدیده حاکی است از عشق تزلزل ناپذیر ایرانیان به کشورشان، از یکسو، و پایداری و سرسختی خارق العاده آنان، از سوی دیگر. نه تسلط مکرر و طولانی بیگانگان و نه فاجعه‌های ملی قادر نشدند باینکه این قوم را بنحوظی به بی‌حالی و بی‌حرکتی سوق دهند، حتی با وجود تحقیر دنیائی که جریانهای تصوف ابراز مینمودند. فعالیت ایرانیان در دستگاههای اداری سلسله‌های مختلف - چه در پایتخت و چه در ولایات - به استمرار افکار و بطریق اولی ب مداومت تاسیسات حقوقی (Institutions) و در نتیجه به تشکیل و حفظ روشهای سنتی کمک زیادی کرده است.

۳- وارد کردن صفویه در زمره اجنبیان مستولی بر ایران مایه تعجب است. نسب‌نامه این سلسله معلوم و مشهور میباشد و جز بستگیشان بخاندان نبوت (که عباس اقبال آنرا هم رد کرده است) عنصر غیر ایرانی در اجداد ذکورشان دیده نمیشود. بستگی مزبور هم بعد از ۹۰۰ سال و گذشت بیش از سی نسل مانع ایرانی‌الاصل بودنشان نمیگردد. (مترجم).

۴- نویسنده «اریاب تیغ و اریاب قلم» را بلفظ فارسی و باملای لاتین نوشته‌اند (مترجم).

این پدیده را میتوان طی قرون متمادی مشاهده کرد. در اینجا اکتفا میکنیم بیادآوری تاسیس حقوقی پادشاهی ایرانی و برخی مفاهیم مربوط بدان از قبیل حق سلطنت الهی یا خو و ارنه که آنرا در زیر پوشش عنوان ظل الله فی الارض یعنی سایه خدا بروی زمین باز می‌یابیم و هیچ اهمیتی ندارد که این لقب خلیفه اسلام در آغاز ترجمه‌ای از پهلوی بوده و یا اینکه ایرانیان - هنگامیکه احتیاج بیافتن معادلی برای مفهوم خو و ارنه خودشان احساس کردند - آنرا از اعراب گرفته و یا صحیح‌تر بگوئیم پس گرفته باشند.^۵ همچنین میتوان مفاهیم مهمی چون دیوان و یاوزیر را بمیان آورد که چنانکه همه میدانند در تالیفات عدیده از جنبه‌های بسیار متفاوتی مورد بحث قرار گرفته‌اند.^۶

معمولاً در تحقیقات بر روی جریانهای ذهنی و مداومت یا تغییر شکل اندیشه‌ها، بیشتر بر تواریخ ادیان، ادبیات و هنر تکیه میشود تا بر توسعه دستگاههای دولتی و تاسیسات حقوقی که کم و بیش مطالب خشک و بی‌ثمری محسوب میگردند. اما در مورد ایران، درست بفضل همین توسعه است - مانند توسعه بعضی تاسیسات حقوقی دوره سلجوقی و حتی قبل از آن که تا قرن بیستم حفظ شده بودند - که

5— Roger M. Savory: «The Emergence of the Modern Persian state under the Safavids», *Iranshinasi* II/2 (1350), p. 30.

(پیدایش دولت نوین ایران در زمان صفویه، ایران‌شناسی در سال ۱۳۵۰).

Roger M. Savory: «The Safavid State and Polity», *Iranian Studies. Journal of the Society for Iranian Studies*, vol. VII, Boston (1974), pp. 182 & s.

(دولت صفویه و رژیم سیاسی آن، مجله انجمن تحقیقات ایرانی، بستن).

۶- بدون نیت زیان رساندن بنتایجی که او ارائه میکند.

Goitein: «The Origin of the Vizierate and its True Character», *Islamic Culture*, XVI (1942), pp. 255—263, 380—392.

(منشاء وزارت و مشخصات حقیقی آن، فرهنگ اسلامی).

میتوان اطلاعاتی درباره طرز فکر مردم بدست آورد و از این اطلاعات نتایج مهمی برای تاریخ تمدن گرفت.^۷

دردرون همین مداومت است که یکنوع وجدان ملی ظاهر میشود و مهمترین اصول دوباره برپا خواستنهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که تاریخ ایران بخود دیده باین وجدان پیوسته اند. قدرت وجدان مزبور بادرخشندگی تمام پرروی رژیمهای متعدد سیاسی خارج از ایران پرتوافکننده بطوریکه نه تنها بعض تاسیسات حقوقی ایرانی را پذیرفته و یا تقلید کردند بلکه نام فارسی آنها را نیز حفظ نمودند و این اسامی متداول در قلمرو زبانی غیر فارسی، امروزیم بعد از قرنهای، منشاء تاسیسات مذکور را بروز میدهند. این امر که تاسیسات حقوقی ایرانی طی گذشت زمان بوفور عناصر غیر ایرانی را جذب و یا خود در آمیخته اند، بهیچوجه لطمه ای با اهمیت آنها نمیزند. معذالک تشخیص هویت و دوام چنین تاسیساتی همیشه کار آسانی نیست یا از آن بابت که در زیر پرده نامهای متفاوت پنهان شده و یا از آنجهت که منابع تاریخی اصلا اشاره ای بانها نکرده اند و یا باره بعض مختصاتشان - که معنای آنها برای ما معلوم نیست وی برای مردم همان زمان که این منابع جهت ایشان نوشته شده بسیر واضح و آشکار بوده - سکوت اختیار مینمایند. از آنجا که تاسیسات مورد بحث غالباً مدت‌های دراز مداومت و استمرار داشته‌اند، اجباری نیست که برای تعمق در آنها منحصر ا بشهادت‌های هم زمانشان قناعت شود بلکه میتوان، و حتی باید، از منابع تاریخ اداری دورانهای بعدی - که در آنها همان تاسیسات حقوقی و همان روشهای اداری

7— Lambton: «The Internal Structure of the Seljuk State», CHIr, Cambridge 1968, vol. 5, p. 203.

(ساختمان داخلی دولت سلجوقی، تاریخ ایران کمبریج، جلد ۵، CHIr. علامتی است اختصاری از Cambridge History of Iran)

ودولتی مشاهده میگردند - و شاید هم بهتر تشریح شده باشند -
استمداد جست . اینک میپردازیم بکشف منابع مزبور و نحوه بهره برداری از
آنها در تحقیقات تاریخی .

(۲)

ابتدا نظری به دوران سلجوقی - که تحقیقات مربوط بان
تاچندی قبل به نسبت عکس اهمیت آن بود - بیاندازیم . از حدود
دهسال پیش باینطرف وضع برگشته : در تحقیقات بین المللی ،
سلجوقیان یک موضوع عزیزه شده است . ولی چنین توسعه پرشور
وشتابی این عیب را دارد که بعض نوشته های بسیار مهم ممکن است
از توجه محققین مستور بماند . از آن جمله است کتاب هریرت هرست
(Heribert Horst) که کمی بعد از آن سخن خواهیم راند . امیدواریم که
راهنمای ترک شناسی که دو سال قبل آندر آس تیت سه تاسیس نموده^۱
ویا گزارشات درباره انتشارات ترک شناسی - که در بعضی مجلات
مانند تورسیکا^۲ و یابولتن کنفرانس بین المللی و دائمی آلتائی شروع

8- Andreas Tietze: Turkologischer Anzeiger.

تا حال دو قسمت از آن در WZKM (علامت اختصاری

Wien Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes. بچاپ رسیده یکی در
شماره ۶۷ (۱۹۷۵) صفحات ۳۳۹ تا ۳۸۸ و دیگری در شماره ۶۸ (۱۹۷۶) صفحات ۲۹۷
تا ۴۸۵ .

۹- Turcica ، در جلد های زیرین :

جلد دوم (۱۹۷۰) ، صفحات ۱۵۹ تا ۱۶۴ (فعالیت های ترک شناسی در

فرانسه) : Louis Bazin: «Les activités turcologiques en France».

جلد پنجم (۱۹۷۵) ، صفحات ۱۳۱ تا ۱۷۴ (کارهای علمی نوین و طرح های

شده^{۱۰} - موجب رفع این نقیصه گردند. در میان کارهای تخصصی درباره سلجوقیان چند بررسی خاصی (Monographie) وجود دارد که با آنکه موضوع مستقیم آنها چیز دیگریست جنبه های گوناگون این دوره را مورد بحث و موشکافی قرار میدهند. بعنوان مثال از این زمره میتوان اثرهای زیرین را برشمرد:

- مطالعه هینتس هالم بر روی شافعیه^{۱۱}.

تحقیقاتی درباره زبان، تاریخ و فرهنگ ترکیه ماقبل عثمانی و عثمانی در جمهوری فدرال آلمان بعد از ۱۹۶۸:

Barbara Fleming: «Neuere wissenschaftliche Arbeiten und Forschungs-vorhaben zur Sprache, Geschichte und Kultur der vorosmanischen und osmanischen Türkei in der Bundesrepublik Deutschland seit 1968».

همان جلد، صفحات ۱۴۸ تا ۱۵۳ (مراکز انگلیسی مطالعات ترکی):

Susan Skilliter: «British Centers of Turkish Studies».

همان جلد، صفحات ۱۵۴ تا ۱۵۹ (خاورشناسی و تحقیق درباره امپراطوری عثمانی در کشورهای بالکان):

Alexandre Popovic: «Etude de l'Empire ottoman et l'orientalisme dans les pays balkaniques».

جلد هفتم (۱۹۷۵)، صفحات ۲۶۴ تا ۳۰۳ (کارهای ترك شناسی فرانسه، قسمت اول):

J-L. Bacquet-Grammont: «Travaux turcologiques français, I».

جلد نهم/اول (۱۹۷۷)، صفحات ۲۵۲ تا ۲۶۳ (لیست کارها جهت

کتاب شناسی مطالعات جاری ترك شناسی انگلیسی):

Susan A. Skilliter: «List of Works towards a Bibliography of Current British Turcological Studies».

10- Permanent International Altaistic Conference .

شماره های اول (ژوئیه ۱۹۶۶) و دوم (فوریه ۱۹۷۷) که من در اختیار دارم حاوی توده عظیمی اطلاعات راجع بکشورهای متعدد است که در اینجا و آنجا بموضوعات جالبی از نظر تحقیقات تخصصی درباره سلجوقیان برخورد میشود.

11- Heinz Halm: «Die Ausbreitung der Schafi'itischen Rechtsschule von den Anfängen bis zum 8/14 Jahrhundert», Wiesbaden, 1974.

(اشاعه طریقه شافعی از آغاز پیدایش تا قرن هشتم میلادی یا چهاردهم

هجری).

— بررسی خاص آنگلیکا هارتمان راجع بخلیفه ناصرالدین الله^{۱۲}
 — رساله اریکا گلن در باره مسائل دینی و اجتماعی نزد
 خواجه نظام الملک و الغزالی، که بزودی منتشر خواهد شد.^{۱۳}
 در باب آنچه مربوطست به تحقیقات سلجوقی بمعنای اخص،
 بویژه باید از انستیتوی تاریخ و تمدن سلجوقی—که در ۱۹۶۶ در
 آنکارا تأسیس یافته— نام برد. انتشارات متعدد این انستیتو علی—
 الخصوص مجله تحقیقات سلجوقی آن، که شامل گزارش فعالیت‌های
 انستیتو و اعضایش میباشد، درخور تذکر هستند.^{۱۴}

در مورد تاسیسات حقوقی کشورداری سلجوقی، ما مدیون
 ابراهیم قفس اغلو هستیم که خلاصه این موضوع را در چهارچوب
 مقاله‌اش بنام سلجوقیان در دائرةالمعارف اسلامی بزبان ترکی
 گنجانده است.^{۱۵}

بعد از او، مقاله طولانی از خانم لمبتن درباره طرزساختمان
 (Structure) امپراطوری سلجوقی در تاریخ ایران کمبریج انتشار

12— Angelika Hartman: «an—Nasir li—Din Allah (1180—1225). Politik, Religion, Kultur in der späten Abbasidenzeit», Berlin—New York, 1977.

(الناصرالدین الله — ۱۱۸۰ تا ۱۲۲۵ میلادی— سیاست، مذهب و فرهنگ در اواخر عصر عباسی).

13— Erika Glassen: «Der mittlere Weg. Studien zur Religiosität und Religionspolitik der spatern Abbasiden—Zeit» (= Fis 8).

(حدمعقول . مطالعات درباره تمایلات مذهبی و سیاست دینی در اواخر عصر عباسی).

14— Selçuklu Arastirmalari Dergisi . من مجلدات اول (۷۰—۱۹۶۹) و چهارم (۱۹۷۵) آنرا در دست دارم .

15— Ibrahim Kafesoglu: «Selçukluler», Islam Ansiklopedisi. جلد دهم (۱۹۶۷)، صفحات ۳۹۸. بعد .

یافت. ۱۶ مقاله اخیر، مانند نوشتجات دیگر همکار عالیقدر ما، شامل بعضی قسمت‌هایی از تراودرلندن میباشد که با وجود چاپ نشده ماندن همیشه مورد استناد مؤلفین قرار گرفته بطوریکه حکم یک قانون و یا حجت را در تاریخ تاسیسات حقوقی سلجوقی پیدا کرده است ۱۷ همچنین خانم لمبتن در بحث مهمی پیرامون یک مجموعه دستورالعمل سلجوقی ۱۸ — یعنی عتبة الکتبه منتجب الدین بدیع اتابک جوینی، که محمد قزوینی و عباس اقبال در ۱۹۵۰ بچاپ رسانده ۱۹ و کمی بعد محمد آلتای کویمن بتفصیل شرح داده ۲۰ — شرکت جسته است. مجموعه مذکور یکی از پایه‌هایی است که هر یبرت هرست مطالعه‌اش را در باب سازمان اداری سلاجقه بزرگ و خوارزمشاهیان

16— Cambridge History of Iran.

جلد پنجم (۱۹۶۸)، صفحات ۲۰۳ تا ۲۸۲.

17— Lambton: «Contribution to the Study of Seljuq Institutions», London, 1939.

(مشارکتی در بررسی تاسیسات حقوقی سلجوقی).

18— Lambton: «The Administration of Sanjar's Empire as illustrated in the Atabat al-Kataba», BSOAS, vol. 20, (1957), pp. 367—388.

(سازمان اداری امپراطوری سنجر چنانکه در عتبة الکتبه مجسم شده .
BSOAS علامت اختصار است از

(Bulletin of the School of Oriental and African Studies)

۱۹ — کتاب عتبة الکتبه ، مجموعه مراسلات دیوانی سلطان سنجر بقلم مؤیدالدوله منتجب الدین بدیع اتابک الجوینی ، چاپ محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران ، ۱۳۲۹ شمسی .

20— Ahmet Altay Koymen: «Selçuklu devri kaynaklarına dair arastirmalar», AUDTC Fakultesi Dergisi, vol. 8 (1951), pp. 537—648.

۲۱ — تحقیقات درباره منابع دوران سلجوقی ، مجله دانشکده (ادبیات آنکارا) (جلد هشتم) .

بر آن نهاد^{۲۱} و طی گزارشی باین موضوع اشاره شده و آن مجموعه «يك ابزار کار محکم، عملی و از این بیعد و واجب و ناگزیر برای هر کس که بخواهد ب بررسی دستگاه حکومتی ایران در قرون ۱۱ و ۱۲ بپردازد» محسوب گردیده است.^{۲۲} در جوار عتبه الکتبه، هرست محتویات ده کتاب انشاء را جهت موضوع خود، از غربال گذرانده و در نتیجه موفق شده است که تعاریف دقیقی از سلطان، اعضای خانواده سلطنتی، سازمانهای اداری مرکزی، ولایتی و ناحیه‌ای، سیستم مالیاتها، قضاوت و تاسیسات حقوقی مذهبی بدست آورد. اگر معلومات راجع بوزیر راکه آقای هرست توانسته است از کتبه‌های انشاء استخراج کند با نتایج مطالعه‌ای که عباس اقبال در همین موضوع بعمل آورده است^{۲۳} مقایسه کنیم میبینیم که هرست بیشتر بیک ارائه سیستماتیک پرداخته در حالیکه اقبال بیشتر شخصیت و فعالیت‌های کسانی راکه دارای این مقام بوده‌اند مطمع نظر قرار داده است و روش او را اخیراً کارلا کلاوسنر در تمهیه پایان نامه‌ای (Mémoire) بکار برده است.^{۲۴} معذالك مدارك و دستور العملها

۲۱- Heridert Horst در زیر عنوان :

Eine Untersuchung nach Urkundenformularen der Zeit. Wiesbaden, 1964.

(يك امتحان دقیق طبق اسناد دستورالعملی آن عصر).

22- J. Aubin: *Bibliotheca Orientalis*, XXIII (1966), pp. 108 & s.

۲۳- عباس اقبال : وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی از تاریخ تشکیل این سلسله تا مرگ سلطان سنجر (۵۵۲-۴۳۲) ، انتشار بعد از فوت مؤلف بوسیله محمدتقی دانش یزوه و یحیی ذکا ، تهران ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) .

24- Carla Klausner: «The Seljuk Vezirate. A Study of civil administration 1055—1194» (*Harvard Middle Eastern Monograph Series*, XXII), Cambridge, Mass., 1973.

(وزارت سلجوقی ، بررسی سازمان اداری بین سالهای ۱۰۵۵ تا ۱۱۹۴ میلادی - نشریه بیست و دوم بررسیهای خاص هاروارد درباره خاورمیانه) . نویسنده با انتشارات مربوطه در زبانهای ترکی، آلمانی و روسی توجهی ننموده است.

همیشه باندازه این مورد گویا نیستند، مثلاً معلومات درباره مدرسه محدود میشود بشرح وظایف بعض مقامات ولذا برای روشن کردن موضوع مهم تاریخ پیدایش و نحوه تشکل این تاسیس حقوقی نتیجه‌ای از آنها عاید نمی‌شود. چند سال قبل از هرست، ژرژ ماکیدیسی باتکای منابع دیگری ثابت کرد که نظریه انتساب تاسیس مدرسه بخواجه نظام‌الملک دیگر قابل دفاع نیست^{۲۵} و بعد از او «ناجی معروف» صورتی از مدارس مربوط بزمانهای قبل از خواجه نظام‌الملک را تهیه نمود.^{۲۶} این بحث را محمدالتای کویمن و هینتس هالم تعقیب نموده و هر دو در سال ۱۹۷۵ نظریاتشان را منتشر ساختند: کویمن در بررسیش بر روی تاسیسات فرهنگی زمان الب ارسلان^{۲۷} و هالم در سخنرانی‌اش راجع به آغاز مدرسه.^{۲۸}

آنتن شاندلینگر اقدام بسیار سودمندی، که غالباً مورد بی-توجهی قرار گرفته، بعمل آورده است بدین معنی که صورت تفسیر شده‌ای از کلیه اسامی تاسیسات حقوقی و مقاماتی که در شرح وقایع

25— George Makidisi: «Muslim Institutions of Learning in Eleventh Century Bagdad», BSOAS, XXII (1961), pp. 1—56.

(مؤسسات علمی بغداد در قرن یازدهم میلادی - نشریه بیست و دوم مدرسه مطالعات شرقی و افریقائی لندن) .

۲۶- ناجی معروف: المدرسه قبل النظام الملك، بغداد، ۱۳۹۳ هجری قمری (۱۹۷۳) .

27— Mehmet Altay Koymen: «Alp Arslan Zamani selçuklu kultur muelleseleri», Setçuklu arastirmalari dergisi, IV (1975), pp. 75—125.

(مؤسسات فرهنگی سلجوقی در زمان الب ارسلان، مجله تحقیقات سلجوقی، چهارم) .

28— Heinz HaIm: «Die Anfänge der Madrasa».

(آغاز پیدایش مدرسه) . سخنرانی در فریبورگ طی نوزدهمین کنفرانس اجتماع خاورشناسان آلمانی، منتشره در ZDMG (علامت اختصاری Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft

یا مجله انجمن آلمانی مشرق زمین) ضمیمه سوم، ۱۹۷۷، صفحات ۴۳۸ تا ۴۴۸ .

ابن بی بی مندر جست فراهم نمود. ^{۲۹} کاتالگت مزبور شامل ۱۳۰ اصطلاح است به همراه معادل آلمانی آنها در تالیفات بعدی و سایر منابع فارسی. اینگونه فهرستها که بر اساس غربال کردن منظم منابع تاریخی صورت گرفته باشد یک کار لازم و عاجلی است که ممکنست یتیمه یک فرهنگ تاریخی دوره سلجوقی منتهی شود، مخصوصاً اگر زبان شناسانی — مانند گرهارد در فر در مورد اصطلاحات فنی دورانهای مغول و تیموری ^{۳۰} — پیدا شوند که در اصطلاحات مشابه زمان سلجوقی، مخصوصاً آنهاییکه تفسیرشان دچار اشکال است، غور نمایند.

(۳)

این خلاصه کوتاه از نتایج تازه ترین تحقیقات درباره سلجوقیان تلویحاً نشان میدهد که، علیرغم فقدان اسناد بنایگانی اصیل، مجموعه های دستورالعمل و کتب راهنمایی منشیاتی که از عهد سلجوقی باقی مانده اند، با انضمام اشارات پراکنده در منابع تاریخی، میتوانند معلومات نسبتاً مطمئن و معتبری درباره سازمان اداری و

29— Anton C. Schaendlinger: «Amter und Funktionen im Reiche der Rum-seltschuken nach der Seltschukengeschichte des Ibn Bibi», WZKM, 62 (1969), pp. 172—192.

(مقامات و سمتها در امپراطوری سلجوقی روم طبق تاریخ سلجوقی ابن بی بی، مجله وین جهت آشنائی با مشرق زمین).

30— Gerhard Doerfer: «Türkische und mongolische Elemente im Neupersischen. Unter Besonderer Berücksichtigung älterer neupersischer Geschichtsquellen, vor allem der Mongolen und Timuridenzeit».

(عناصر ترکی و مغولی در فارسی، با در نظر گرفتن منابع تاریخی کهن این زبان بویژه در زمان مغول و تیموری)، چهار جلد، ویسبادن، ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۵.

دولتی بما بدهند. ولی در باب آنچه مربوط بروشهای اداریست، بخصوص سیستم مالی و محاسبات دولتی، وضع غیر از اینست. در این موارد، دستورالعملها همانقدر لال هستند که شرح وقایع. با این وصف اگر ما نتوانیم این نقیصه را بر طرف کنیم، تابلوی اداره دولتی ناتمام و بیروح خواهد ماند.

در اینجا ما باید بعقبتر، یعنی بتشکیلات دولتی صدر اسلام برگردیم. ما بخوبی میدانیم که در زمان پیروزیهای ارتش مسلمانان، فاتحین تا حد زیادی تاسیسات حقوقی و همچنین اکثریت مامورین دولتی موجود را در جای خود باقی میگذارند. حداکثر آنکه همکاران مسلمانی به آنها ملحق میساختند. آنان همچنین زبانهای رسمی دستگاهاهی حکومتی محلی را — یعنی زبانهای یونانی و قبطی در ولایات سابق بیزانس و زبان فارسی در سرزمین سلطنت ساسانی — حفظ کردند. مدارک نوشته شده پد و بزبان هم یک امر گذران بود. تازه در سال ۷۰۶ میلادی، خلیفه اموی عبدالملک زبان عربی را بعنوان زبان رسمی و منحصر بفرد وارد کار کرد. اما بنظر نمیآید که وارد کردن این زبان جدید تغییری در روشهای جاری پدید آورده باشد.^{۳۱}

با پریا شدن خلافت عباسی و انتقال پایتخت ببغداد — بعبارت دیگر سرزمینی که سابقاً ایرانی بود — نفوذ ایران بالا گرفت. در اثر کشورگشائی سلسله سلجوقی، روشهای دولتی ایرانی، البته

31 — Walther Hinz: «Das Rechnungswesen orientalischer Reichsfinanzämter im Mittelalter», Der Islam, XXIX, 1949, pp. 1—29, 113—141.

(امور حسابداری در سازمانهای مالی امپراطوریها در قرون وسطی) مخصوصاً در صفحه ۳ که مینویسد: «معدالک در اینجا موضوع عبارتست از یک انتقال حسابداری ایرانی یا بیزانسی بعربی و نه یکنوع تغییری در سیستم حسابداری».

در زیر پرده زبان عربی،^{۳۲} در قسمت‌هایی از دنیای اسلام که تا آنوقت روشهای مزبور را نمی‌شناختند رواج یافت. با آنکه مغولان عناصر جدیدی در تشکیلات اداری وارد کردند باز هم، چنانکه از ظواهر امر برمی‌آید، سیستم محاسبات دولتی متداول تا آن زمان را پذیرفتند. در منابع سلجوقی، بانضمام تالیفات انشائی که ما می‌شناسیم، عملاً هیچ دستور مستوفی‌گری دیده نمی‌شود.^{۳۳} معذالك یکنوع تمایلی بتدوین اینگونه قواعد و دستورات - که تاخلافش ثابت نشده ما باید آنها را کمابیش مطابق روش سلجوقی بدانیم - در آغاز ایلخانیان ظاهر گردید. بین کتابهای تخصصی که بدست ما رسیده است، باید در مرحله اول از يك رساله منجم و فیلسوف مشهور نصیرالدین طوسی نام ببریم. او در سال ۱۲۵۶ میلادی از خدمت اسماعیلیه بخدمت هلاکو درآمد. دانشمند مزبور که در آنوقت پنجاه و پنج ساله بود شاهد دوران انحطاط سلجوقی و اثرات فرهنگی آن بوده

۳۲- فقط در آناتولی يك وزیر سلجوقی، که گویا میان‌اش با اعراب بهم خورده بود، دستور داد کلیه محاسبات بزبان فارسی ضبط شود. آق سرائی، مسامرت‌الخبار، چاپ عثمان توران، آنکارا، ۱۹۴۴، صفحه ۶۴.

۳۳- نویسنده صفت (Caméralistique) را بکار برده‌اند که مستوفی‌گری ترجمه شد. برای درک منظور ایشان، تعریفی را که فرهنگ علوم اقتصادی انگلیسی یفارسوی، دکتر منوچهر فرهنگ، تهران، ۱۳۵۴، در صفحه ۱۵۰ داده است عیناً نقل می‌شود (مترجم):

«Cameralism = مستوفی‌گری - سوداگری بگونه‌ایست که در اواسط قرن هیجدهم در آلمان و اطریش پدید آمد. این نظریه اقتصادی رابطه نزدیکی با مسائل و ملاحظات سیاست مالی، اداره حکومتی و شیوه فنی داشت. از اینرو کاهرالیزم نه تنها با بهترین راه کسب ثروت توسط دولت بلکه با بهترین مورد استعمال این ثروت نیز سروکار پیدا می‌کرد. امروزه این اصطلاح گاهی بنظریه‌های اقتصادی نسبت داده می‌شود که بمالیه عمومی بعنوان يك عامل رفاه ملی بیشتر از حد لزوم اهمیت می‌دهد. علم اقتصادی که توجه بخصوص نسبت بدآمد و عواید عمومی دارد».

است. لذا جای تعجب نیست اگر در خاطراتش، که هفت سال پس از اشتغال در دستگاه مغولی نوشته،^{۳۴} دو قسمت کاملاً متمایز تشخیص دهیم: یکی منعکس کننده سنتهای ایرانی و دیگری بدعتهایی که مغولان وارد کار کردند. قسمت سنتی باید مطابقت داشته باشد با قواعد مستوفیگری چنانکه در عهد سلجوقی رواج داشته و یا حتی با آنچه که از قرون جلوتر متبلور شده بود. نفوذ طولانی که این خاطرات اعمال کرده اند شاهد برجسته ایست از ثبات روشهای مالی ایران. یک رساله تخصصی درباره سیستم محاسبات عمومی در ۱۴۴۱ میلادی، موسوم به شمس السیاق بقلم علی شیرازی، خدمتگزار دربار شاهرخ تیموری در هرات (که عدنان ارضی (Adnan Erzi) در سال ۱۹۴۴ در اسلامبول پیدا کرد و بعد او والتر هینتس بهره برداری نمود)^{۳۵} در سه فصل اولش خلاصه ای از خاطرات طوسی را، بدون ذکر نام او، در بردارد.

تقریباً هیچ اشاره ای به سیستم حسابداری در نزد طوسی—که خاطراتش ۱۲ صفحه چاپی را فراهمیگیرد— نمیتوان یافت. ولی نیم قرن بعد دوراهنمای امور مالی جهت مأمورین دولت وجود دارد که هر دو تالیف یک شخص، فلك علائی تیریزی، میباشند: اولی

14— M. Minovi & V. Minorsky: «Nasir ad-Din Tusi on Finance», BSOS, X, 1939—1942, pp. 755—789.

(نصیرالدین طوسی در امور مالی عمومی. BSOS علامت اختصار است از Bulletin of the School of Oriental Studies

۳۵— والتر هینتس مهمترین قسمت این رساله یعنی بخش نهم آنرا ضم مقاله زیرین منتشر کرده است:

Walther Hinz: «Ein orientalisches Handelsunternehmen im 15 Jahrhundert», WDO, I, 1947—1952, pp. 313—340, planches 14, 15.

(یک مؤسسه بزرگ تجارتي در قرن پانزدهم میلادی. علامت اختصار

WDO شناخته نشد).

بنام سعادتنامه بوده و در سال ۱۳۰۹ میلادی نوشته شده و احمدزکی ولیدی تگن (Ahmet Zeki Velidi Togan) آنرا معرفی کرده، دیگری موسوم بقانون السعادت در سیاحت است که تصور میشد مفقود گردیده باشد تا اینکه ویلهلم هینتس آنرا در سال ۱۹۶۸، ضمن کتاب خطی از اواسط قرن چهاردهم میلادی، بازیافت.^{۳۶} ولی شعف پیدا کردن قانون را اختصار معلومات موجود در نوشته خطی مذکور از بین برد. هردوی این کتابها را میرکمال نبی پور با دقت هرچه تمامتر تشریح و ارائه نموده^{۳۷} و سپس هم به آلمانی ترجمه کرده است. در هردو کتاب، اصول اداره مالیه عمومی بجزئیات مورد بحث قرار گرفته است.

در سال ۱۹۵۰، زکی ولیدی خستگی ناپذیر يك راهنمای محاسبات دولتی دیگری موسوم به جامع الحساب تالیف عماد السراوی در حدود ۱۳۴۰ میلادی را یافت که آنرا کتاب بزرگ سلطنتی شمرده است. علاوه بر دستور العملهایی جهت مامورین محاسبات، این کتاب شامل بودجه کامل دولت در دوران اخیر ایلخانیان میباشد. نجات گویونچ متن مزبور را با ترجمه و حواشی در تز دکترای خود

۳۶- نسخه خطی مورد بحث متعلق بکتابخانه دولتی برلن است، تحت شماره Oct. 2556، که ویلهلم هینتس در اثر زیرین تشریح کرده است: Wilhelm Heinz: Persische Handschriften, Teil I (= VOHD, XIV, 1, ed. W. Eilers), Wiesbaden, 1968, p. 150.

(نسخ خطی فارسی، بخش یکم، در جلد چهاردهم، قسمت اول، VOHD که معلوم نشد علامت اختصاری چه نشریه ایست - چاپ ایلرز).
37- Mirkamal Nabipour: «Die beiden persischen Leitfaden des Falak Ala—ye Tabrizi über das staatliche Rechnungswesen im 14 Jahrhundert», Diss. Phil. Göttingen, 1974.

(دو راهنمای فلک علانی تبریزی درباره حسابداری دولتی در قرن چهاردهم میلادی، تز دکترای، چاپ نشده، ۱۹۷۴، گوئینگن).

درج نموده است.^{۳۸}

يك كتاب مهمتر و مفصلتر ولی موخر بر راهنماهایی که شرح داده شد رساله فلکیه تالیف المازندرانی میباشد که والتر هینتس در ۱۹۵۲ بنحو بسیار استادانه ای منتشر ساخته است.^{۳۹} خوشبختانه این اثر بصورت کتاب طبع شد، درحالیکه تزهایی دکتراي نبي پور و گویونچ بعلت چاپ نشده ماندن از دسترس غالب مورخین ذیعلاقه دور مانده اند. کتاب مورد بحث شامل فصولیست در باب ارقام و سیستمهای اعداد مخصوصا ارقام سیاق، علائم و قواعد حسابداری، اصول محاسبه، دستورات اخذ مالیات و بالاخره توصیف و طرز نگهداری دفاتر بزرگ حسابداری.^{۴۰} هنوز هم يك ترجمه از «رساله»

38— Nejat Göyünç: «Das sogenannte Game'ol—Hesab des Emad as—Sarawi. Ein Leitfaden des staatlichen Rechnungswesens von circa 1340», Diss. Phil., Gottingen, 1962.

(کتاب معروف بجامع الحساب تالیف عمادالسرایی، يك راهنمای محاسبات دولتی در حدود سال ۱۳۴۰ میلادی، تز دکترا، چاپ نشده، ۱۹۶۲، گوتینگن).

39— Walther Hinz: «Die Resala—ye Falakiyya des Abdollah ibn Mohammad ibn Kiya al—Mazandarani. Ein persischer Leitfaden des staatlichen Rechnungswesens (um 1363)», Wiesbaden, 1952.

(رساله فلکیه تالیف عبدالله ابن محمد ابن کیا المازندرانی، يك راهنمای محاسبات دولتی بزبان فارسی، در حدود ۱۳۶۳ میلادی). نخستین اشاره باین کتاب (منظور رساله فلکیه است. مترجم) در اثر زیر بعمل آمده است:
Ahmet Zeki Validi (Togan): «Mogollar devrinde Anadolu'nun iktisadi vaziyeti», Türk Hukuk ve İktisat Tarihi Mecmuasi, Cilt I, 1931, pp. 1—42.

(احمد زکی ولیدی «تگان»: اوضاع اقتصادی آناتولی در عهد مغولان، مجموعه حقوق و تاریخ اقتصادی ترک، جلد اول).

۴۰— برای کسب اطلاع بیشتری از جزئیات موضوع، رجوع شود به گزارش زیر:

Jan Rypka: OLZ, 49, 1954, col. 538—540.

(OLZ علامت اختصار است از Orientalische Literatur Zeitung)

بعمل نیامده است. معذالك ناشر، محتویات آنرا بصورت لغت نامه درآورده و مخصوصاً فهرست مطالب آن، با توضیحات جامع درباره اصطلاحات و شرح آنها، ارزش زیادی دارد. از سوی دیگر هینتس بوسیله مقالات دیگرش — بویژه آنکه سیستم حسابداری مقامات مالی دولتی مشرق زمین را در قرون وسطی تشریح میکند^{۴۱} — برای درک این موضوع غامض بمامک میکند.

(۴)

رساله فلکیه با آنکه در محیط ولایتی تهیه شده — بحکم آنکه بیک شاه کوچک مازندرانی اهدا گردیده است — باز هم يك سند منحصر بفردیست در تاریخ اداری ایران که فقط دو اثر زیر بنیای اهمیت او می‌رسند: یکی تذکره الملوك که در حدود سنه ۱۷۲۵ میلادی برشته تحریر درآمده و بنحو بینظیری توسط ولادیمیر مینرسکی تحشیه شده^{۴۲} و دیگری دستورالکاتب فی تعیین المراتب تالیف محمدابن

41— Walther Hinz: «Das Rechnungswesen orientalischer Reichsfinanzämter im Mittelalter», Der Islam, XXIX, 1949, pp. 1—29, 113—141.

(حسابداری مالیه عمومی کشورهای شرقی در قرون وسطی).

42— Vladimir Minorsky: «Tadhkirat al-Muluk. A Manuel of Safavid Administration (circa 1137/1725). Persian Text in Facsimile (B. M. Or. 9496), Translated and explained», London, 1943.

(تذکره الملوك، يك راهنمای سازمان اداری صفوی (حدود ۱۱۳۷ هجری یا ۱۷۲۵ میلادی). متن نسخه بدل فارسی (بریتیش میوزیوم، قسمت شرق، شماره ۹۴۹۶). ترجمه و توضیح توسط ولادیمیر مینرسکی، لندن، ۱۹۴۳). تا آنجا که من اطلاع دارم مینرسکی مقدمات تجدید چاپ اثر فوق را، با تغییرات و ملحقاتی، فراهم نموده ولی نتوانسته بود انجام دهد.

مؤسسه Trustees of Gibb Memorial Series که کتاب موجود را منتشر نموده و حق بزرگی بگردن مطالعات شرقی دارد اگر نسخه دست نویس مینرسکی را یافته و بچاپ رساند تعداد زیادی از خاورشناسان را ممنون خود خواهد ساخت.

هندوشاه نجوانی . . . دستورالکاتب را میتوان مشابه کتاب صبح الاعشى في صناعة الانشاء قلقشندی^{۴۳} - يك دائره المعارف مصری که عملاً جمیع معلومات لازم برای منشی دستگاه حکومت را دربردارد - دانست . بآنکه حجمش از کتاب اخیر کمتر است . دستورالکاتب که باید قاعدتاً بین سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۶ میلادی و شاید هم بین ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ میلادی،^{۴۴} در نتیجه پنجاه سال قبل از صبح الاعشى نوشته شده باشد مثل يك سومادیکتامینیس تعلیم فنون اداری بزبان فارسی است .^{۴۵} این کتاب را خاورشناسان غربی از صد و پنجاه سال پیش - از برک توصیف و تجزیه و تحلیلی که ژرف فن ماهر (- پورگشتال) در باره آن بعمل آورد^{۴۶} - میشناسند . والتر هینتس هم چندین بار به آن مراجعه کرده است . بعداً موضوع دورساله تخصصی قرار گرفت : یکی

۴۳ - چهارده جلد ، قاهره ، از سالهای ۱۳۳۱/۱۹۱۳ تا ۱۳۲۸/۱۹۱۹ محمد قندیل البقلی و سعید الفتاح عاشور ، درسال ۱۳۹۰/۱۹۷۰ ، از آن یا جلد چهارم کتاب صبح الاعشى في صناعة الانشاء (مقدمه + ۶۲۴ صفحه) را قاهره بچاپ رسانیدند .

۴۴ - سجادیه ، در یادداشت ۴۳ (زیر صفحه) نیز خود سالهای ۱۳۵۷/۵۹ و ۱۳۵۸/۷۰ را میدهد ولی بدون ذکر مأخذ .

۴۵ - Summa dictaminis عبارتست از عنوان برخی راهنماهای معاصر و بیان جهت منشیان دستگاههای سلطنتی اروپا در قرن یازدهم میلادی . رجوع کنید به :

H. R. Roemer: «Staatschreiben der Timuridenzeit», Wiesbaden, 1952, pp. 6 & s.

(نوشتجات دولتی عهد تیموری) .

۴۶ - Josef von Hammer (—Purgstall) خلاصه ای از دستورالکاتب تعیین المراتب را «رسالنامه ادبیات ، وین ، سال ۱۸۳۴ ، بشرح زیر ، درج نموده است :

Jahrbucher der Literatur, vol. LVIII, Anzeige — Blatt, Nr. LXVIII, Vienne.

دکترای محمود میرآفتاب درگوتینگن^{۴۷} و دیگر تز دکترای جواد سجادیه دروین.^{۴۸} از آنجائیکه این دو اثر چاپ نشده و لذا از دسترس غالب علاقه‌مندان خارج هستند، در شناساندن دستورالکاتب سهم بسیار جزئی داشته‌اند، با وجود آنکه تز میرآفتاب گویا شامل یک قسمت چاپ شده‌ای میباشد.^{۴۹} فقط چاپی که توسط عبدالکریم علی‌اغلی عزیزاده در ۱۹۶۴ شروع و اخیراً پایان یافته، کتاب مزبور را حقیقتاً در دسترس محققین قرار داده است.^{۵۰} بنابراین شرایط لازم جهت غربال کردن دقیق و بی‌اتمبیه خلاصه تفسیر شده‌ای از آن — چنانکه و التربی یرکمان در تاریخ دستگاه حکومتی مصر بر طبق صبح الاعشای قلقشندی ارائه کرده^{۵۱} — فراهم گردیده است. تا زمانیکه این اقدام بعمل نیامده است، کارهای میرآفتاب و سجادیه و مخصوصاً

47— Mahmud Miraftab: «Dastur al—Katib fi ta'yin al—maratib. Edition und Darstellung.», Diss. Phil., Gottingen, 1956.

(دستورالکاتب فی تعیین المراتب، چاپ متن و توصیف، تز دکترای جواد سجادیه، گوتینگن، ۱۹۵۶).

48— Javad Sajadieh: «Administration und Organisation unter der Mongolen in Iran nach dem Dastur al—Katib fi ta'yin al—maratib des Muhammad b. Hinduschah», Diss. Phil., Vienne, 1958.

(تشکیلات و سازمان اداری ایران در عهد مغول طبق دستورالکاتب فی تعیین المراتب تألیف محمد ابن هندوشاه. تز دکترای فلسفه، چاپ نشده، وین ۱۹۵۸).
 ۴۹ — نسخه سمینار ایرانلژی گوتینگن را دیدم و فاقد این چاپ بود، معذالك در صورت مطالبش، در قسمت اول، از آن یاد شده است، بدین کلمات:
 «Teil I — Die Edition des Dastur al—katib, 1—211».

50— A. A. Ali—zadeh: «Muhammad ibn Hindushah Nahciwani, Dastur al—katib fi ta'yin al—maratib (Rukowodstwo dl'a pistsa pri opredelenii stepenej). Kriticeskij tekst, predislowie i ukazateli», vol. I/1, I/2, II, Moscou, 1964, 1971, 1976.

51— Walther Bjorkman: «Beiträge zur Geschichte der Staatskanzlei im islamischen Agypten», Hamburg, 1928.

(مشارکتی در تاریخ دستگاههای دولتی اسلامی مصر).

مقدمه‌هاییکه علیزاده در ابتدای هر يك از سه جلد خود نوشته^{۵۲} بسیار پرازش هستند .

لازم بتذکر است که محمد ابن هندوشاه کتابش را بزبان فارسی نوشته، البته باتاسف، چونکه میگوید نیت داشته در صورت یافتن وقت کتابی بموازات آن عبری بنگارد. مادر برابر يك معذرتی قرار گرفته‌ایم که بزحمت پرده پوشی شده، معذرت از سر پیچی نسبت به اعتقادی که هنوز، شاید هم بطریق نیمه آگاه،^{۵۳} بر جای مانده بود دائر بر اینکه زبان اداری - لاقل زبان داخلی دستگاه وزبان سیستم محاسبات و مالیه عمومی دولت - باید عربی باشد و در نتیجه راهنماهای مربوطه هم باید به آن زبان نوشته شوند. جای بحث نیست که در آنموقع تسلط بزبان عربی، حتی در محیطهای روشن فکر، چندان رایج نبود. والا چگونه میتوان توجیه کرد که پدر همان مؤلف در کتاب تجارب السلف خود در سال ۱۳۲۴/۷۲۴^{۵۴} که حاوی معلومات تکمیلی بسیار قیمتی درباره تاریخ فاطمیه، آل بویه و سلجوقیان

۵۲ - البته بزبان روسی، فقط مقدمه جلد دوم همچنین سانگیسی نوشته شده .

۵۳ - نویسنده لغت Subconscient را بکار برده‌اند و مترجم کلمه مناسبتری از نیمه آگاه نیافت. در روانشناسی جدید، که زیگموند فروید پایه گذاری کرده، مفهوم این لغت چنین است: بخشی از روان انسانی که معمولاً شخص از آن بی اطلاع است ولی اگر در خود فرو رفته و تأمل کند محتویات آنرا باز خواهد یافت، درحالیکه Inconscient یا ضمیر ناخود آگاه بقسمتی گفته میشود که جز از راه روانکاوی، آگاهی از آن مقدور نیست (مترجم).

۵۴ - هندوشاه ابن سنجر ابن عبدالله صاحبی نخجوانی، تجارب السلف در تواریخ خلفاء و وزرای ایشان، با تصحیح و اهتمام عباس اقبال، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۴ .

است، ترجمه فارسی قسمت بزرگی از کتاب الفخری ابن طقطقه را گنجانده باشد؟

درست است که دستورالکاتب معلومات متعدد مشترکی، در باره سیستم مالیاتها و مالیه عمومی، باراهنماهای فوق‌الذکر دارد ولی از لحاظ جزئیات حسابداری از آنها عقبتر بوده و از جهت فهرستهای سیستماتیک در مورد سمتها و عناوین و همچنین توصیفات دقیقش از تاسیسات حقوقی و بعضی سمتها - با استناد بمتن دستورات و انتصابات فراوان - خیلی از آنها پیش است. با وصف آنکه مواد اولیه این کتاب از زمان ایلخانیان و جلایریان گرفته شده، تفکیک بین سمتهای مغولی و غیرمغولی خیلی پر معناست: سمت‌های اول باهم و سمتهای دسته دوم، اعم از دیوان و شریعه باهم ولی مجزی از قبلی ذکر شده‌اند. از این عمل میتوان نتیجه گرفت که سمتهای غیرمغولی به سنتهای جلوتری میپیوندند.

(۵)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موضوع مداومت تاسیسات حقوقی دولتی ایران در طی تاریخش بارها مورد تأیید واقع شده است، لکن در موارد معین و مشخصی این مداومت باثبات نرسیده است. این موضوع از لحاظ اهمیت در خط اول جای دارد و درخور آنست که باشدتی بمراتب بیش از پیش مورد بررسی واقع شود. سازمان اداری دولتی با تاسیسات حقوقیش و بطریق اولی باروشمهای داخلیش زمینه بسیار مناسبی است برای تحقیق در مداومت سنتها. اینگونه پژوهشها را ممکن است در جهت

مقایسه عهودی در پی انجام داد. این تحقیقات باید بر پایه کلیه مواد قابل دسترسی استوار شوند و نه فقط بر روی منابع واقعه سرائی، یعنی باید مدارک بایگانیها (آرشیوها) و دستورالعملها بصورتیکه در کتابهای انشاء و راهنماهای مستوفیگری و فنون‌داری ضبط شده‌اند همگی مورد استفاده قرار گیرند.

در این مقاله ماسعی کرده‌ایم که محققین ذی‌علاقه را بحرکت بسوی اینکار مهم تشویق نمائیم. فقط بدین ترتیب است که میتوان راه را برای یک تاریخ قیاسی سازمانهای اداری ایران هموار ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی